

ناسیونالیسم و یاری دهندگان به وخی

(یادداشت کتاب شناسانه)

روسکایا میسل [۱] مجله خسته کننده‌ای است. تنها یک نکته جالب درباره آن وجود دارد. در بین نویسندگانش لیبرال‌هایی هستند که برای وخی [۲] نوشته و از آن حمایت می‌کنند، آن کتاب خائنه‌ای که قهرمانان دیروز آزادی در آن به مبارزه توده‌ها برای آزادی گل و لجن پاشیدند، کتابی که در آن، علاوه بر این، توده‌های دمکرات کارگر و دهقان همچون گله‌ای هدایت شونده توسط «روشنفکران» به تصویر کشیده می‌شوند - حقه قدیمی که توسط تمام حامیان صد سیاهی‌ها بکار گرفته می‌شود.

این اتفاقی نبود که «جامعه تحصیل کرده» لیبرال روسیه علیه انقلاب و علیه دمکراسی موضع گرفت؛ این امر پس از ۱۹۰۵ اجتناب ناپذیر بود. بورژوازی از اقدام مستقل کارگران و بیداری دهقانان ترسیده بود. بورژوازی، بخصوص بخش ثروتمندتر آن، که دلواپس حفظ موقعیتش بمثابة استثمارگر بود، تصمیم گرفت که ارتجاع بهتر از انقلاب بود.

این منافع خودخواهانه کیفیت‌های پول بود که موجب برخاستن گرایش وسیع و ریشه دار ضدانقلابی در بین لیبرال‌ها شد، گرایشی علیه دمکراسی، در دفاع از هر نوع از امپریالیسم، ناسیونالیسم و شووینیسم، در دفاع از همه گونه تاریک اندیشی.

کارگران دارای آگاهی طبقاتی از این ارتداد، این تغییر جبهه دادن، متعجب نمی‌شوند، زیرا کارگران هیچگاه نظر خیلی مثبتی نسبت به لیبرال‌ها نداشته‌اند. با این حال، بررسی چیزی که خائنین لیبرال مو عظه می‌کنند، اینکه امیدوارند با چه ایده‌هایی با دمکراسی بطور عام و با سوسیال - دمکراسی بطور خاص بجنگند، ارزش وقت گذاشتن را دارد.

آقای ایزگویف در روسکایا میسل می‌نویسد «جامعه روشنفکری روسیه متقاعد بود و توده آن هنوز هم متقاعد است که مسئله اساسی زندگی اروپایی مبارزه پرولتاریا برای سوسیالیسم علیه بورژوازی است...»

آقای ایزگویف می‌گوید که این ایده «از پیش تعیین شده و اشتباه آمیز است»؛ او به این اشاره می‌کند که در میان لهستانی‌هایی که در آلمان برای حفظ ملیت شان مبارزه می‌کنند، یک قشر جدیدی میان ایجاد شده و رشد می‌کند - «یک طبقه متوسط دمکرات».

هنگامی که ایزگویف از «روشنفکران» صحبت می‌کند، منظورش در حقیقت سوسیالیست‌ها و دمکرات‌هاست. لیبرال از اینکه مبارزه پرولتاریا علیه بورژوازی بمثابة مسئله اساسی در نظر گرفته می‌شود خشنود نیست. لیبرال تلاش می‌کند نمونه‌های مبارزه ملی را مشتعل سازد و بر آنها بدمد تا توجه را از مسائل جدی دمکراسی و سوسیالیسم منحرف سازد.

سوسیالیسم در حقیقت جای نخست را در بین «مسائل زندگی اروپایی» می‌گیرد و مبارزه ملی جای نهم را و بعلاوه، هر چه دمکراسی ثابت قدم تر عمل کند ضعیف تر شده و ضررش کمتر می‌گردد. حتی مقایسه مبارزه پرولتاریا برای سوسیالیسم، که یک پدیده جهانی است، با مبارزه یکی از ملل تحت ستم اروپای شرقی علیه بورژوازی مرتجعی که بر آن ستم می‌کند (و بورژوازی لهستانی در هر فرصت مناسب داوطلبانه نیروهایش را با بورژوازی آلمانی علیه پرولتاریا ترکیب می‌کند) مسخره است.

آوریل ۱۹۱۳

امضا: و.

انتشار بر طبق متن پرسوشچنیه

مجموعه آثار لنین، جلد ۱۹

توضیحات

۱- روسکایا میسل *Russkaya Mysl* (تفکر روسی) - یک مجله بورژوازی لیبرال که در مسکو در ۱۸۸۰ شروع به انتشار کرد. پس از انقلاب ۱۹۰۵ تبدیل به ارگان جناح راست حزب کادت شد. در این دوره از موجودیتش لنین آن را «تفکر صدها سیاهی» خواند. این مجله در اواسط سال ۱۹۱۸ توقیف شد.

۲- *Vekhi* (نقاط عطف) - مجموعه‌ای بود که در مسکو در بهار ۱۹۰۹ توسط روزنامه نگاران بورژوازی لیبرال ضدانقلابی منتشر شد. نویسندگان وخی، در مقالاتشان درباره روشنفکران روسیه، تلاش کردند سنن انقلابی - دمکراتیک جنبش آزادیخواهانه در روسیه و دیدگاه‌ها و فعالیت‌های انقلابیون دمکرات برجسته قرن نوزدهم - و. بلینسکی، ن. دوبرولیوبوف، ن. چرنیشفسکی و د. پیسارف - را لکه دار کنند. آنها به جنبش انقلابی ۱۹۰۵ ناسزا گفتند و از دولت تزاریست بخاطر نجات دادن بورژوازی از «خشم مردم با سرنیزه‌ها و زندان‌هایش» تشکر کردند.